

«سرطان» چالش بزرگ سلامت عمومی و راهبردهای نوین مقابله با بیماری قرن

ره‌نگاران/سرطان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین معضلات سلامت عمومی در جهان، سالانه جان میلیون‌ها نفر را تهدید می‌کند، بیماری‌ای خاموش که با اشکال مختلف، گروه‌های سنی و اقشار گوناگون جامعه را درگیر کرده است. با این حال، هم‌زمان با گسترش شیوع سرطان، پیشرفت‌های چشمگیر علمی در حوزه پیشگیری، تشخیص زودهنگام و درمان، امید تازه‌ای برای مهار این بیماری ایجاد کرده است، کارشناسان معتقدند افزایش آگاهی عمومی و اصلاح سبک زندگی، نقش کلیدی در کاهش آمار ابتلا و مرگومیر ناشی از سرطان دارد.

به گزارش خبرنگار [پایگاه اطلاع‌رسانی ره‌نگاران](#) - فاطمه لطیفی: سرطان به مجموعه‌ای از بیماری‌ها اطلاق می‌شود که در آن سلول‌های بدن به‌صورت غیرطبیعی و خارج از کنترل رشد می‌کنند. این سلول‌ها می‌توانند به بافت‌های اطراف آسیب رسانده و در موارد پیشرفته، به سایر اندام‌ها گسترش یابند، پدیده‌ای که در اصطلاح پزشکی «متاستاز» نامیده می‌شود. پزشکان تأکید دارند که سرطان یک بیماری تک‌علتی نیست و مجموعه‌ای از عوامل ژنتیکی، محیطی، رفتاری و عفونی در بروز آن نقش دارند. بر اساس نظر متخصصان حوزه سلامت، تغییر الگوی زندگی در دهه‌های اخیر، افزایش مصرف دخانیات، تغذیه ناسالم، کم‌تحرکی و آلودگی‌های محیطی، از مهم‌ترین دلایل افزایش شیوع انواع سرطان به‌شمار می‌رود.

شایع‌ترین انواع سرطان در جامعه

بررسی‌ها نشان می‌دهد برخی از انواع سرطان، شیوع بالاتری در میان جمعیت دارند و بیشترین سهم را در آمار ابتلا و مرگومیر به خود اختصاص داده‌اند.

سرطان پستان شایع‌ترین سرطان در میان زنان است که در صورت تشخیص زودهنگام، درصد بالایی از بیماران به بهبودی کامل دست می‌یابند. متخصصان سلامت زنان، معاینات دوره‌ای و غربالگری منظم را مهم‌ترین راه پیشگیری از پیشرفت این بیماری می‌دانند.



سرطان ریه همچنان در صدر مرگ‌بارترین سرطان‌ها قرار دارد. مصرف سیگار و سایر مواد دخانی، اصلی‌ترین عامل خطر این نوع سرطان محسوب می‌شود، هرچند آلودگی هوا و تماس‌های شغلی نیز در افزایش خطر ابتلا نقش دارند.

سرطان روده بزرگ از جمله سرطان‌هایی است که اغلب بدون علائم واضح آغاز می‌شود. کارشناسان تأکید می‌کنند رژیم غذایی کم‌فیبر، مصرف بالای غذاهای فرآوری‌شده و کم‌ تحرکی، از عوامل اصلی بروز این بیماری است.

در میان مردان، سرطان پروستات یکی از شایع‌ترین انواع سرطان به‌شمار می‌رود که اغلب روندی کند دارد و با انجام آزمایش‌های دوره‌ای قابل کنترل است.

همچنین سرطان پوست که ارتباط مستقیمی با تماس طولانی‌مدت با نور خورشید دارد، از جمله سرطان‌هایی است که با رعایت نکات ساده مراقبتی می‌توان از بروز آن پیشگیری کرد.

پیشگیری راهبرد اصلی نظام‌های سلامت

کارشناسان حوزه بهداشت و درمان بر این باورند که پیشگیری، مؤثرترین و کم‌هزینه‌ترین راه مقابله با سرطان است. ترک مصرف دخانیات، اصلاح الگوی تغذیه، افزایش فعالیت بدنی، کنترل وزن، کاهش استرس و پرهیز از قرار گرفتن طولانی‌مدت در معرض عوامل سرطان‌زا، از مهم‌ترین توصیه‌های پزشکی در این زمینه محسوب می‌شود.

به گفته متخصصان، واکسیناسیون علیه برخی ویروس‌ها از جمله هیپاتیت B و HPV نیز نقش مؤثری در کاهش خطر ابتلا به برخی سرطان‌ها دارد و باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد.

تشخیص زودهنگام کلید نجات جان بیماران

تشخیص زودهنگام سرطان، یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش شانس درمان و کاهش مرگومیر است. برنامه‌های غربالگری منظم، از جمله ماموگرافی، کولونوسکوپی و آزمایش‌های دوره‌ای، می‌توانند بیماری را در مراحل اولیه شناسایی کرده و از پیشرفت آن جلوگیری کنند.

طبق نظر کارشناسان، بسیاری از موارد پیشرفته سرطان، نتیجه بی‌توجهی به علائم اولیه یا عدم انجام معاینات دوره‌ای است، موضوعی که ضرورت فرهنگسازی عمومی را دوچندان می‌کند.

درمان‌های نوین امیدی تازه برای بیماران

درمان سرطان بسته به نوع، مرحله بیماری و شرایط جسمی بیمار، متفاوت است. روش‌هایی مانند جراحی، شیمی‌درمانی و پرتودرمانی همچنان از ارکان اصلی درمان به‌شمار می‌روند. در سال‌های اخیر، درمان‌های هدفمند و ایمنی‌درمانی نیز به‌عنوان رویکردهای نوین، نتایج امیدوارکننده‌ای در درمان برخی انواع سرطان به‌همراه داشته‌اند.

پزشکان معتقدند توسعه این روش‌ها، افق تازه‌ای در درمان سرطان گشوده و کیفیت زندگی بیماران را به‌طور محسوسی بهبود بخشیده است.

نقش رسانه‌ها در آگاهی‌بخشی

متخصصان ارتباطات سلامت بر نقش کلیدی رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی صحیح درباره سرطان تأکید دارند. افزایش آگاهی عمومی، اصلاح باورهای نادرست و تشویق جامعه به پیشگیری و تشخیص زودهنگام، از مهم‌ترین وظایف رسانه‌ها در این حوزه عنوان می‌شود.

و اما سرطان اگرچه همچنان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های سلامت عمومی در جهان محسوب می‌شود، اما پیشرفت‌های علمی و افزایش آگاهی عمومی، مسیر مقابله با این بیماری را هموارتر کرده است. کارشناسان بر این باورند که با مشارکت همگانی، اصلاح سبک زندگی و تقویت نظام پیشگیری و غربالگری، می‌توان بار این بیماری را به‌طور قابل‌توجهی کاهش داد و گامی مؤثر در جهت ارتقای سلامت جامعه برداشت.

وقتی شهر زیر باران پر از شعر می‌شود

ره‌نگاران/ روایت میدانی از کارگاه «چترنویسی» کانون رضوانشهر؛ جایی که زنان گیلانی، خوشنویسی را از قاب کاغذ به آسمان بردند تا وقتی باران آمد شهر پر از شعر شود.

به گزارش [بایگاہ اطلاع‌رسانی ره‌نگاران](#)-فاطمه لطیفی: باران ریز و بی‌قرار، تازه تمام شده بود. بوی خاک خیس در محوطه‌ی کوچک کانون پرورش فکری رضوانشهر پیچیده بود و صدای خنده‌ی بچه‌ها از گوشه‌ی حیاط می‌آمد. چترهای مشکی، سفید و رنگ به رنگ، مثل بوم‌هایی خالی، روی میزها پهن شده بودند و بطری‌های رنگ، قلم‌موها و دستمال‌های رنگی در کنارشان برق می‌زدند. هیچ‌کس هنوز نمی‌دانست قرار است این چترها فقط سایه‌بان نباشند، قرار است روایت تازه‌ای از «هنر در زندگی» شوند.

مژگان سیفعلی‌نژاد، مربی‌مسئول کانون، کنار میزها ایستاده بود. لبخندش آرام و اطمینان‌بخش بود. وقتی از او می‌پرسم ایده‌ی چترنویسی از کجا آمد، مکثی می‌کند و می‌گوید: از باران! از همین هوای گیلان. ما هر روز با چتر راه می‌رویم، چرا چتر نتواند حرف بزند؟ چرا نتواند پیام مهربانی را حمل کند؟



وی ادامه می‌دهد؛ تلاش این بوده که خوشنویسی را از چهارچوب کلاس بیرون بیاوریم و به فضای عمومی ببریم. ما به‌جای آن‌که روی کاغذ تمرین کنیم، تصمیم گرفتیم روی چتر بنویسیم. روی چیزی که در خیابان باز می‌شود. این یعنی هنر در زندگی مردم جاری است، نه پشت شیشه‌ی گالری‌ها.

خطی که از دل خانواده‌ها بیرون آمد

هوای محوطه پر از شور بود. بچه‌ها با دقت قلم‌مو را در رنگ فرو می‌بردند و مادرها با نگاهی حامی، کنارشان می‌ایستادند. بعضی مادرها خودشان دست به قلم می‌شدند، بعضی دیگر شعر پیشنهاد می‌دادند. یکی از آن‌ها، زنی میانسال با روسری گل‌دار، با خنده می‌گوید: دخترم گفته می‌خواهم بنویسم زندگی یعنی لبخند زیر باران، من گفتم بنویس، همین بهترین جمله است!

در نگاه این زنان، چیزی فراتر از همراهی دیده می‌شد؛ امتداد یک سنت قدیمی از زنانی که در گیلان، همیشه حامل فرهنگ و زیبایی بوده‌اند. از لباس‌های دست‌دوز و نقش‌دار روستایی گرفته تا تکه‌دوزی‌ها

و نقاشی‌های بومی. حالا این زنان، حامل همان خلاقیت بودند؛ اما این بار با خط، رنگ و چتر.

سیفعلی‌نژاد به این نقش اشاره می‌کند و معتقد است؛ در همه برنامه‌های فرهنگی کانون، زنان حضور پررنگ دارند. نه فقط به‌عنوان مادر یا مربی، بلکه به‌عنوان هنرمند. ما می‌خواهیم بچه‌ها ببینند که هنر از دل همین زندگی روزمره زنان بیرون می‌آید. مادری که زیر باران راه می‌رود و چترش پر از نوشته‌های محبت است، خودش مروج فرهنگ است.



از چتر تا بوم

روی یکی از چترها نوشته شده بود؛ آسمان بدون باران، دل بدون مهربانی است.

روی دیگری، خطی نستعلیق با رنگ آبی درخشان موج می‌زد؛ مهربانی را ببخش، حتی اگر آسمان نمی‌بارد.

«نیلوفر» دختر نوجوانی که به آرامی قلم‌مو را روی چتر کش می‌داد، تا طرحی نو از خوشنویسی بیاندازد، می‌گوید؛ خوشنویسی بسیار

آرامش‌بخش است و وقتی می‌نویسم، حس آرامش به من دست می‌دهد.

مادر نیلوفر هم شاهد هنرنمایی دخترش هست می‌گوید؛ من هم از بچگی خطاطی دوست داشتم، اما هیچ‌وقت کلاس نرفتم. حالا کنار دخترم دارم یاد می‌گیرم. این یعنی نسل‌ها دوباره به هم رسیده‌اند.

این جمله، خلاصه‌ی تمام هدف کارگاه بود؛ پیوند نسل‌ها از مسیر هنر. مربیان می‌گفتند می‌خواهند خانواده‌ها را وارد جریان خلاقیت کنند تا هنر، فقط در کتاب درسی یا قاب دیوار نماند.



خوش‌نویسی؛ از سنت تا خلاقیت

کانون رضوانشهر این کارگاه را هم‌زمان با هفته ملی خوش‌نویسی برگزار کرد؛ هفته‌ای که یادآور اصالتی کهن در فرهنگ ایرانی است. خوش‌نویسی در ایران، فقط زیبایی بصری نیست، یک نوع تفکر است؛ ترکیب نظم و معنا. اما اگر این هنر فقط در قاب سنتی بماند، از مردم فاصله می‌گیرد. ما می‌خواستیم نشان دهیم که می‌شود آن را به زندگی آورد، به چتر، به کوچه، به خانه.

در گوشه‌ای دیگر از محوطه، یکی از مربیان جوان در حال آموزش نوشتن

حروف «میم» و «نون» به چند کودک بود. چترها هنوز خیس از رنگ بودند و بوی رنگ آکرلیک در فضا می‌پیچید. بچه‌ها بی‌تاب بودند که چترشان زودتر خشک شود تا بازش کنند و ببینند زیر آفتاب چه شکلی می‌شود.

مردمی‌سازی هنر، از کلاس تا خیابان

چترنویسی تنها یک کارگاه آموزشی نبود، تمرینی بود برای مردمی‌سازی هنر.

وقتی این چترها در خیابان باز شوند، هر رهگذری مخاطب آنهاست. مردم بدون آن‌که وارد گالری شوند، اثر هنری می‌بینند. این یعنی دموکراتیزه شدن هنر؛ یعنی هنر در اختیار همه.

در پایان کارگاه، ده‌ها چتر رنگارنگ روی زمین چیده شد. نور غروب روی آن‌ها می‌افتاد و کلمات خوشنویسی مثل نقش‌هایی زنده برق می‌زدند. بچه‌ها دور چترها حلقه زده بودند، مادرها عکس می‌گرفتند، و یکی از پدران با خنده گفت: باران که بیاید، شهر پر از شعر می‌شود!

سایبانی از مهر

آن روز، چترها تنها ابزار محافظت از باران نبودند؛ نماد پیوند میان هنر و زندگی بودند.

زنان هنرمند گیلانی، با دستان خود، واژه‌های مهربانی را به آسمان بردند و ثابت کردند که هنر، اگر در دل مردم جاری شود، می‌تواند سایبان مهر بر جامعه بگستراند.

رضوانشهر، در آن بعدازظهر، شاهد روایتی بود از خلاقیت، از حضور زنان، از تداوم فرهنگی که از دل زمین‌های سبز گیلان تا آسمان چترها امتداد یافت. چترها به خط جان گرفته بودند و مردم، حتی بی‌آن‌که بدانند، در زیر سایه‌ی هنر راه می‌رفتند.



وقتی آرامش از پستوی خانه به دل جامعه می‌رسد

ره‌نگاران/ بانوان غیرتمند و با وقار ایرانی در صحنه‌های مختلف ثابت کردند که طلایه‌دار واقعی توسعه و عدالت در جامعه هستند و بعنوان راهبران گمنام، آرامش را از پستوی خانه به دل جامعه منتقل می‌کنند.

به گزارش [بایگاہ اطلاع‌رسانی ره‌نگاران-فاطمه لطیفی](#): خانواده در فرهنگ اسلامی و ایرانی، نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی و محور رشد و پایداری جامعه است؛ نهادی که بر پایه محبت، مسئولیت‌پذیری و کرامت انسانی شکل می‌گیرد و زن، روح حاکم و ستون اصلی آن به‌شمار می‌رود. در آموزه‌های اسلام، زن نه تنها شریک حیات خانوادگی، بلکه شریک در تعالی جامعه است؛ چنان‌که قرآن کریم از پیوند مهر و رحمت

میان زن و مرد به عنوان بنیانی الهی برای ساخت تمدن یاد می‌کند. تحکیم بنیان خانواده، ارتقای کرامت زن و مشارکت مؤثر او در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه انسانی در جوامع امروز است. جامعه‌ای که زنان آن در مسیر توانمندسازی، عدالت آموزشی و فرصت‌های برابر گام بردارند، جامعه‌ای است که بنیان آن بر دانایی، آرامش و ثبات استوار خواهد بود. در همین راستا، دولت چهاردهم نیز با تأکید بر عدالت جنسیتی و مشارکت برابر، تلاش دارد نگاه ملی به مسائل زنان را با واقعیت‌های محلی و فرهنگی مناطق مختلف کشور پیوند دهد. سخنان اخیر زهرا بهروزآذر، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده در استان گیلان، بازتابی روشن از این سیاست است؛ نگاهی که زن را نه در حاشیه، بلکه در متن تصمیم‌سازی‌ها و توسعه اجتماعی می‌بیند.



فقدان بانک اطلاعاتی جامع از وضعیت زنان

زهرا بهروزآذر معاون رئیس‌جمهور در امور بانوان، با تأکید بر لزوم توجه به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی زنان در نقاط مختلف کشور، اظهار کرد: زنان ایران یک جامعه یکدست نیستند؛ زن سرپرست

خانوار ناشی از طلاق با زن سرپرست خانوار ناشی از فوت همسر، یا دختر فارغ‌التحصیل دانشگاهی با دختری که فرصت تحصیل نداشته است، هر کدام شرایط و نیاز متفاوتی دارند که باید در سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه قرار گیرد.

معاون رئیس‌جمهور با بیان اینکه نبود یک بانک اطلاعاتی جامع از وضعیت زنان، یکی از ضعف‌های اساسی در برنامه‌ریزی کشور است، گفت: تمام تلاش ما بر این است که با ایجاد بخش‌بندی‌های دقیق از وضعیت زنان، داده‌های واقعی از سطح ملی تا محله‌ها در اختیار تصمیم‌گیران قرار گیرد تا برنامه‌ها کارآمدتر شود.

بهروزآذر، عدالت آموزشی را از مهم‌ترین اولویت‌های دولت دانست و تصریح کرد: براساس آخرین آمار، بیش از ۸۰ هزار دانش‌آموز در مقطع ابتدایی از تحصیل بازمانده‌اند که بخش قابل توجهی از آنان را دختران تشکیل می‌دهند. این مسئله، زنگ خطری جدی برای آینده کشور است.

وی با اشاره به پیامدهای بازماندگی دختران از تحصیل افزود: دختری که از تحصیل بازماند، نه تنها از فرصت رشد شخصی محروم می‌شود، بلکه در معرض آسیب‌های اجتماعی، ازدواج زودهنگام و فقر فرهنگی قرار می‌گیرد. به همین دلیل، مقابله با این پدیده باید متناسب با شرایط هر منطقه و با همکاری مردم، آموزش‌وپرورش و نهادهای مدنی دنبال شود.

سیاست‌های آموزشی منطقه‌محور باشد

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با بیان اینکه علل بازماندگی در استان‌ها متفاوت است، خاطرنشان کرد: برای مثال، در سیستان و بلوچستان فقر و فاصله مکانی مدارس عامل اصلی است، اما در گیلان ممکن است خانواده‌ها به دلیل باورهای سنتی یا ضعف انگیزه، اجازه تحصیل به دختران ندهند. بنابراین، سیاست‌های آموزشی باید منطقه‌محور باشد، نه یک نسخه واحد برای کل کشور.

گیلان الگوی مشارکت اقتصادی زنان

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان با اشاره به ظرفیت بالای گیلان در حوزه مشارکت اقتصادی زنان اضافه کرد: شاخص اشتغال زنان در گیلان حدود ۴ تا ۵ درصد بالاتر از میانگین کشوری است. این نشان می‌دهد که زنان گیلانی از توان و انگیزه بالایی برای مشارکت اقتصادی برخوردارند و می‌توانند نقش مؤثری در توسعه ملی داشته باشند. بهروزآذر از تدوین سند ارتقای وضعیت زنان در گیلان خبر داد و

اضافه کرد: تمام آمارهای جنسیتی در اختیار مدیران استان قرار گرفته و با همکاری گروه‌های تخصصی، این سند طی سه ماه آینده نهایی و اجرایی خواهد شد. هدف ما آن است که تصمیم‌گیری درباره زنان، مبتنی بر واقعیت و نیازهای بومی هر منطقه باشد. وی با انتقاد از حذف بودجه‌های جنسیتی در سال‌های اخیر افزود: از سال ۱۴۰۲ بودجه‌های تخصصی حوزه زنان و خانواده از لایحه بودجه حذف شده‌اند. ما از سازمان برنامه و بودجه خواسته‌ایم نگاه جنسیت‌محور را در تخصیص منابع احیا کند، چراکه توسعه پایدار بدون عدالت جنسیتی ممکن نیست.

گیلان بارانی به بی‌آبی نزدیک می‌شود

ره‌نگاران/ اگرچه گیلان سال‌ها با تصویر باران‌های پیدری، رودخانه‌های پرآب و شالیزارهای سرسبز شناخته شده است، اما کارشناس حوزه آب و انرژی هشدار می‌دهد که «مخاطره کم‌آبی دیگر مختص کویر نیست» و این استان نیز با فشار بی‌سابقه بر منابع آب، نیازمند مدیریت فوری و هوشمند مصرف است و اگر اقدام عاجلی در این بخش صورت نگیرد خیلی زود گیلان سرسبزی و طراوتش را به دست باد خواهد سپرد.

به گزارش [بایگه اطلاع‌رسانی ره‌نگاران](#)-فاطمه لطیفی: گیلان در ذهن بسیاری از ایرانیان، سرزمین آب‌های جاری و باران‌های ممتد است، جغرافیایی با رودخانه‌های دائمی و تالاب‌های شناخته‌شده که سال‌ها پشته‌های مطمئن برای امنیت غذایی و زیست‌محیطی کشور تلقی می‌شد. اما آنچه طی یک دهه اخیر رخ داده، واقعیتی متفاوت از تصور عمومی را آشکار کرده است. توسعه بی‌ضابطه، افزایش برداشت‌های سطحی و زیرزمینی، تغییر الگوی کشت، مهاجرت فصلی و رشد ساخت‌وساز، همگی فشار بر منابع آبی را در گیلان به نقطه هشدار رسانده است، نقطه‌ای که چشمانداز آینده آب در این استان را نه تنها نگران‌کننده، بلکه نیازمند بازاندیشی فوری در الگوی مصرف و مدیریت می‌سازد.



امنیت آبی یک دغدغه مهم برای گیلان

آنچه امروز برای بسیاری از کارشناسان واضح است، پایان دوران «اطمینان از بی‌نیازی آبی» در استان‌هایی چون گیلان است. بارندگی‌های فراوان دیگر تضمین‌کننده امنیت آبی نیست و ذخایر طبیعی نیز توان پاسخگویی به الگوی مصرف کنونی، به‌ویژه در تابستان و دوره تنش برداشت آب کشاورزی را ندارند. همین وضعیت سبب شده موضوع مدیریت مصرف آب از یک بحث کارشناسی صرف، به یک مطالبه عمومی و سیاستگذاری اولویت‌دار بدل شود.

در همین راستا، حمید دولتی‌پور، کارشناس حوزه آب و انرژی در گفتگو با خبرنگار «ره‌نگاران» با اشاره به چالش‌های تنش آبی در گیلان، اظهار کرد: اصلاح رفتار مصرفی، بازنگری در شیوه‌های آبیاری و توسعه زیرساخت‌های نوین مدیریت منابع بسیار ضرورت و اهمیت دارد.

ضرورت بازتعریف الگوی مصرف

این کارشناس حوزه انرژی با اشاره به روند کاهش منابع آب سطحی و زیرزمینی در گیلان بیان کرد: متأسفانه تصور عمومی بر این است که گیلان به دلیل بارندگی‌های بالا، هیچ‌گاه با بحران آب مواجه نمی‌شود، در حالی‌که ساختار اقلیمی تغییر کرده، بارش‌ها کوتاه‌تر و سیلابی‌تر شده و ذخیره‌سازی طبیعی دیگر مانند گذشته پاسخگو نیست.

دولتی‌پور خاطرنشان کرد: تغییرات اقلیمی، افزایش برداشت برای کشت‌های پرمصرف و همچنین فرسودگی سیستم‌های آبیاری سنتی، از مهم‌ترین عوامل فشار بر منابع آبی در استان است، باید بپذیریم که فرصت بازنگری در الگوی مصرف بسیار محدود است و در صورت تداوم وضع موجود، با افت محسوس سفره‌های آب زیرزمینی و کاهش دبی رودخانه‌ها مواجه خواهیم شد.

وی، یکی از عوامل تشدیدکننده مصرف در گیلان را الگوی کشاورزی دانست و افزود: در سال‌های اخیر شاهد افزایش کشت‌های آبدوست و توسعه برویه نشاء خارج از زمان مناسب بوده‌ایم. شالیزارهای گیلان بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان آب‌اند اما هنوز بخش قابل‌توجهی از آنها از روش‌های غرقابی استفاده می‌کنند. اگر شبکه‌های آبیاری تحت‌فشار و هوشمندسازی آب مزرعه جدی گرفته نشود، کشاورزی استان خود به عامل اصلی تنش آبی تبدیل خواهد شد.



آبریز گیلان در خطر نابودی

این کارشناس حوزه آب و انرژی با اشاره به مسئله خدمات شهری و مصرف خانگی بیان کرد: سرانه مصرف آب شهری در گیلان بالاتر از میانگین کشوری است. علاوه بر فرهنگ مصرف، فرسودگی شبکه نیز منجر به هدررفت حجم قابل توجهی از آب می‌شود. ضروری است مدیریت شهری در کنار مردم، مسئولانه وارد میدان شود، زیرا مدیریت مصرف تنها یک

توصیه اخلاقی نیست، بلکه ضرورت حفظ آینده زندگی در این استان است.

دولتی‌پور با تأکید بر سواحل و رودخانه‌های تحت فشار زیست‌محیطی نیز تصریح کرد: حوزه‌های آبریز گیلان به‌طور جدی دچار آلودگی و رسوب‌گذاری شده‌اند، این وضعیت علاوه بر کاهش ظرفیت ذخیره طبیعی، اکوسیستم تالاب‌ها و رودخانه‌ها را تهدید می‌کند، حفاظت از آب، تنها بر کمیت آن متمرکز نیست، کیفیت نیز مسئله‌ای حیاتی است که رویکردهای توسعه نادرست می‌تواند آن را غیرقابل بازگشت سازد.

وی با اشاره به ضرورت مشارکت اجتماعی در اصلاح الگوی مصرف افزود: هیچ برنامه مدیریتی بدون همراهی مردم به نتیجه نمی‌رسد، اگر فرهنگ‌سازی، آموزش و تدوین برنامه مبتنی بر واقعیت‌های اقلیمی گیلان به‌صورت فوری انجام نشود، طی چند سال آینده حتی شهرهایی با بارندگی بالا، طعم کم‌آبی را تجربه خواهند کرد.

سبزی گیلان با بی‌آبی از بین می‌رود!

آنطور به نظر می‌رسد، گیلان اگرچه مهد آب‌های سطحی و تصویر بارندگی است، اما در آستانه دوره‌ای قرار دارد که دیگر نمی‌توان صرفاً بر داده‌های اقلیمی گذشته اتکا کرد. مدیریت مصرف آب نه یک شعار کارشناسی، بلکه ضرورتی حیاتی برای بقا و توسعه متوازن استان است.

اکنون زمان آن رسیده است که نگاه عمومی تغییر کند، شیوه‌های سنتی جای خود را به فناوری‌های نو بسپارند و مسئولیت استفاده درست از آخرین ذخایر حیاتی، به یک وظیفه مشترک تبدیل شود. گیلان، برای سبز ماندن، نیازمند تصمیم‌های سخت اما ضروری در مدیریت آب است.



امنیت ملی در لبه تیغ «غافلگیری»؛ وقتی مردم هوشیار هستند

ره‌نگاران/ اگر چه دشمن در جنگ 12 روزه اخیر تلاش کرد با ترفند «غافلگیری»، ایران اسلامی و مردم را به زانو در آورد، اما امنیت، انسجام و اتحاد ملی همراه با هوشیاری مردم نقشه شوم آنها را نقش بر آب کرد.

به گزارش [پایگاه اطلاع‌رسانی ره‌نگاران](#) - فاطمه لطیفی: منطقه خاورمیانه به عنوان یکی از حساس‌ترین و پرتلاطم‌ترین کانون‌های

ژئوپلیتیکی جهان، همواره عرصه رقابت‌ها و تضاد منافع قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. در این میان، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران کلیدی و تاثیرگذار، همواره هدف تهدیدات و فشارهای گسترده سیاسی، نظامی و اقتصادی قرار گرفته است. حملات اخیر و غافلگیرکننده رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا به تأسیسات حیاتی و مراکز حساس ایران، نه تنها نشان‌دهنده شدت تنش‌ها در منطقه بلکه بر پیچیدگی و حساسیت اوضاع امنیتی مافزاید. این تحولات در حالی رقم خورده‌اند که جمهوری اسلامی ایران، با تکیه بر توانمندی‌های داخلی و قدرت دفاعی خود، توانسته است ضمن مواجهه موفق با این تهدیدات، ثبات و امنیت ملی را حفظ کند.

بررسی واکنش‌های دقیق و موشکافانه ایران نسبت به این حملات، اهمیت راهبردی و تأثیرگذار در فهم چگونگی مدیریت بحران و مقابله با فشارهای خارجی دارد. در این گزارش تلاش کردیم در گفتگو با «حسین بهمنش» استاد دانشگاه و تحلیل‌گر مسائل سیاسی، ابعاد مختلف این تحولات و رویکردهای دفاعی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دهیم. در این گفتگو تلاش شده تبیین نقش غافلگیری دشمن و تبدیل آن به فرصت‌های طلایی برای ایران، به ارزیابی میزان آمادگی نظامی، نقش انسجام ملی و حمایت مردمی و همچنین نقاط ضعف احتمالی سیستم دفاعی پرداخته شود و واقع بازتابی از وضعیت کنونی منطقه و چالش‌های پیشروی ایران در عرصه امنیتی است و می‌تواند نقشی کلیدی در تحلیل سیاست‌های آتی و راهبردهای مقابله با تهدیدات داشته باشد. شناخت دقیق‌تر این تحولات، به سیاست‌گذاران، نخبگان و جامعه امکان می‌دهد با دیدگاهی واقع‌بینانه‌تر و هوشمندانه‌تر به مدیریت مسائل کلان ملی و منطقه‌ای بپردازند و ضمن حفظ منافع ملی، راهبردی مستحکم برای مقابله با دشمنان را ترسیم کنند.

✓ غافلگیری با طعم پیروزی

«حسین بهمنش»، کنش‌گر و کارشناس مسائل سیاسی، در گفتگو با پایگاه اطلاع‌رسانی ره‌نگاران با تأکید بر اهمیت عنصر غافلگیری در رویدادهای اخیر اظهار کرد: حمله سنگین و ناگهانی رژیم صهیونیستی، اگرچه به نوعی غافلگیرکننده بود و هدف آن تحت فشار قرار دادن نظام سیاسی ایران بود، اما برخلاف پیش‌بینی‌های دشمن، نتوانست ساختارهای کلان کشور را تضعیف کند یا به زانو درآورد.

وی همچنین ادامه داد: ایران به سرعت و با تکیه بر توانمندی‌های داخلی، ضمن بازسازی آسیب‌ها، ضربات متقابلی را به دشمن وارد آورد که این مسئله نشان‌دهنده آمادگی و هوشمندی جمهوری اسلامی در مقابله

با تهدیدات نظامی و سیاسی است.

این تحلیل‌گر سیاسی با بیان اینکه حمایت قاطع و همبستگی ملت ایران در این شرایط بحرانی نیز نقشی تعیین‌کننده ایفا کرده است، گفت: برخلاف انتظار آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش، مردم ایران پشت نظام ایستاده و با اتحاد و انسجام ملی خود، نقشه‌های دشمن را خنثی کرده‌اند. این پشتیبانی مردمی، در کنار ظرفیت‌های نظامی و امنیتی کشور، باعث شده تا تهدیدات خارجی به فرصت‌های طلایی برای ارتقاء قدرت دفاعی و بازدارندگی ایران تبدیل شوند.

بهمنش با اشاره به استمرار عملیات‌های دفاعی و تهاجمی جمهوری اسلامی اضافه کرد: این روند مستمر و مداوم ضربه زدن به رژیم صهیونیستی و ایجاد وضعیتی از سردرگمی و غافلگیری در میان دشمنان، یکی از عوامل کلیدی حفظ امنیت و ثبات داخلی است. وی با اشاره به آمادگی دفاعی بالای ایران افزود: حتی حملات غافلگیرکننده آمریکا به مراکز هسته‌ای نتوانسته بود آمادگی نیروهای دفاعی کشور را کاهش دهد، چرا که پیش از حملات، اقدام به تخلیه و افزایش محافظت از برخی مراکز مهم شده بود.

✓ جنگ اخیر پرده‌ای از عزت ملی

این تحلیل‌گر مسائل سیاسی با اشاره به وجود برخی نقاط ضعف در سامانه‌های دفاعی ایران، این موضوع را نتیجه اشراف اطلاعاتی دشمنان دانست و بیان کرد: بهبود این نقاط ضعف برای ارتقاء امنیت ملی باید در دستور کار قرار گیرد.

بهمنش با اشاره به تأثیر «غافلگیری» بر روحیه مردم تصریح کرد: اگرچه شدت خباثت و وحشی‌گری رژیم صهیونیستی و آمریکا برای مردم ایران غافلگیرکننده بود، اما این غافلگیری نه تنها موجب شکست نشد بلکه باعث افزایش وحدت، مقاومت و عزم ملی شد.

بهمنش با باور به عنایت الهی و حمایت معصومین (علیهم‌السلام)، ابراز امیدواری کرد: ایران بتواند این روند غافلگیری و آمادگی دفاعی را به صورت مستمر حفظ کرده و در برابر دشمنان خود، تهدیدات را به فرصت‌های راهبردی تبدیل نماید.

از روضه تا رونق؛ روایت بانویی که عشق حسینی را به اقتصاد مردم پیوند زد

ره‌نگاران/ روایت تأثیرگذار از «مریم ابراهیمی» مسئول هیأت فاطمیون شفت، زنی که این هیأت مذهبی را به کانون کارآفرینی و ایمان بدل کرد.

به گزارش [با نگاه اطلاع‌رسانی ره‌نگاران](#)- فهیمه لطیفی: عصر تند و مغموم تابستانی شفت بوی غم و عشق می‌دهد. شهری آرام در دامنه‌های سبز گیلان که در روزهای محرم، جامه‌ی سیاه بر تن می‌کند و در هر کوی و برزنش نغمه‌ی «یا حسین» طنین می‌افکند.

خورشید آخرین پرتوهایش را بر بام خانه‌های گلی می‌پاشد و نسیم داغ دل سوخته‌ی محرم پرچم‌های سیاه و سرخ را به رقص درمی‌آورد. سراغ بانویی رفتیم که در محفل روضه، چراغ اقتصاد را روشن و رونق بخشیده است.

آری اینجا شفت است، شهر امامزادگان عشق، و در قلب آن، هیأتی برپاست که نامش با خدمت، ایمان و امید گره خورده است؛ «هیأت فاطمیون شفت».

هیأتی که نه فقط مأمن عزاداران حسین (ع)، بلکه پناهگاه محرومان و کارآفرینان است. در میان جمع عاشقان، بانویی استوار و مؤمن ایستاده است؛ زنی از تبار فاطمه (س) که نشان داده زن مسلمان ایرانی می‌تواند هم اهل معرفت باشد و هم پرچمدار عمل.

نامش «مریم ابراهیمی» است؛ بانویی که سال‌هاست مشعل خدمت و کارآفرینی را در دست گرفته و از دل هیأت مذهبی، نهضتی اجتماعی و فرهنگی را در یکی از محروم‌ترین نقاط گیلان برپا کرده است.



هیأت فقط محل روضه نیست، پایگاه خدمت است

مریم ابراهیمی این بانوی گیلانی با چشمانی پر از ایمان و صدایی آرام اما قاطع می‌گوید: هیأت فقط محل برگزاری روضه نیست. هیأت باید به درد مردم بخورد؛ باید چراغ خانه‌های خاموش را روشن کند، باید نان بر سفرهی بی‌نان‌ها بیاورد.

این بانوی خوش ذوق گیلانی، باور دارد که هیأت مذهبی اگر فقط به اشک اکتفا کند و به سفرهی خالی مردم نگاه نکند، از روح عاشورا فاصله گرفته است.

ابراهیمی با اشاره به اینکه اهل بیت (ع) فقط برای گریستن نیامدند، گفته: اهل بیت علیهم السلام برای ساختن آمدند، ما هم اگر ادعای پیروی داریم باید در میدان خدمت و برای ساختن حاضر باشیم. وی از همان نگاه نخست، «هیأت فاطمیون» را فقط تکیه‌ای برای عزاداری ندانست، بلکه آن را به پایگاهی مردمی برای رفع محرومیت، اشتغال‌زایی و توانمندسازی تبدیل کرد.

از هیأت تا مرکز نیکوکاری کارآفرینی

ثمره‌ی این نگاه، تولد مرکز نیکوکاری تخصصی کارآفرینی هیأت

فاطمیون شفت بود؛ مرکزی که امروز بیش از ۱۲۰ بانوی شفتی در آن مشغول کارند و با دستان خود، نان حلال به خانه می‌برند. این مرکز نه تنها نماد «اقتصاد مقاومتی» است، بلکه الگویی از پیوند ایمان با تولید است؛ جایی که نام حسین (ع) بر دیوارهایش حک شده و عطر نیت‌های پاک در فضای آن جاری است.

این بانوی موفق و کارآفرین گیلانی با تاکید بر لزوم باورمندی ظرفیت بانوان در عرصه‌های مختلف، اضافه کرد: بسیاری از زنان این شهر تا چند سال پیش حتی تصور نمی‌کردند بتوانند از خانه‌ی خود کاری شروع کنند، اما امروز هر کدام‌شان چراغی از امید در خانواده هستند. ما آموزش دادیم، تجهیز کردیم، و ایمان دادیم که می‌شود از دل هیچ، همه‌چیز ساخت.

به اعتقاد ابراهیمی، توانمندسازی زنان نه فقط اقتصاد خانواده، بلکه روح جامعه را ترمیم می‌کند.

به گفته وی، وقتی زن خانه با عزت و استقلال مالی زندگی کند، فرزندش نیز با عزت نفس رشد می‌کند. آرامش اقتصادی یعنی آرامش خانواده، و آرامش خانواده یعنی جامعه سالم‌تر.

رسالت فاطمی؛ از معیشت تا معرفت

مسئول هیئت فاطمیون شفت با همان روحیه فاطمی، رسالت هیأت را در چهار محور ترسیم کرده است؛ دین، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع و می‌گوید: هیأت باید آینه‌ای از سیره‌ی اهل بیت باشد؛ اهل یاری، اهل کار، اهل تربیت و اهل بندگی. اگر امروز جامعه گرفتار مشکلات اقتصادی است، باید هیأت‌ها برای گره‌گشایی پیش‌قدم شوند.

ابراهیمی با اشاره به نقش اقتصادمحوری و اشتغال‌زایی هیئات مذهبی بیان کرد: ما تنها روضه نمی‌خوانیم؛ کارگاه داریم، کلاس مهارت داریم، تسهیلات اشتغال می‌دهیم و حتی به تعمیر خانه‌ی نیازمندان کمک می‌کنیم. از ساخت خانه برای یک زوج ناشنوا گرفته تا تجهیز منزل خانواده‌ی دارای معلول، همه به نام حسین (ع) و از سر عشق انجام می‌شود.

جوانان سرمایه‌های بی‌بدیل فردا

این بانوی گیلانی با نگاهی مادرانه و در عین حال راهبردی به آینده جوانان اشاره می‌کند و می‌گوید: جوانان و نوجوانان آینده‌سازان این مملکت‌اند. هر کدام‌شان اگر درست تربیت شوند، می‌توانند یک «سردار سلیمانی» باشند. ما به جوانان اعتماد کردیم و نتیجه‌اش را دیدیم.

بحران پسماند گیلان؛ زخمی که هر سال عمیق‌تر می‌شود

ره‌نگاران/ بحران پسماند در گیلان زخمی کهنه است که سال‌هاست بر تن طبیعت و زندگی مردم این استان سنگینی می‌کند. حل این بحران تنها با همگرایی سه ضلع «مسئولان ملی و استانی»، «سرمايه‌گذاران و شرکت‌های دانش‌بنیان» و «مردم» امکان‌پذیر است. اگر این همگرایی شکل نگیرد، نه تنها طبیعت زیبای گیلان در معرض تهدید جدی قرار خواهد گرفت، بلکه سلامت نسل‌های آینده نیز به خطر خواهد افتاد.

به گزارش [پایگاه اطلاع‌رسانی ره‌نگاران](#)-فاطمه لطیفی؛ بحران پسماند در استان گیلان سال‌هاست که به یکی از جدی‌ترین دغدغه‌های زیست‌محیطی کشور تبدیل شده است؛ بحرانی که اگرچه همواره در دستور کار دولت‌ها قرار داشته و بودجه‌های کلانی برای آن تخصیص یافته، اما به دلیل ضعف مدیریت، کندی اجرای پروژه‌ها و نگاه مقطعی مسئولان، همچنان بی‌نتیجه باقی مانده و سایه آن روزبه‌روز سنگین‌تر می‌شود.

استان گیلان با طبیعت بکر، خاک حاصلخیز و جنگل‌های بی‌نظیر، نه تنها از مهم‌ترین قطب‌های گردشگری کشور است بلکه یکی از حساس‌ترین زیست‌بوم‌های طبیعی ایران محسوب می‌شود. ورود میلیون‌ها مسافر در طول سال، در کنار الگوی مصرف روزانه مردم استان، حجم تولید پسماند در گیلان را به یکی از بالاترین میزان‌ها در کشور رسانده است. اما آنچه وضعیت را بغرنج‌تر کرده، دفن غیراصولی زباله‌ها طی چند دهه گذشته در جنگل‌ها و حاشیه رودخانه‌هاست که به‌طور مستقیم منابع آب و خاک استان را آلوده کرده و سلامت ساکنان را در معرض تهدید جدی قرار داده است.

میراث تلخ دفن غیراصولی

انباشت زباله در مناطق مختلف گیلان به‌ویژه در سراوان، طی چهار دهه گذشته، نه تنها چهره طبیعت استان را مخدوش کرده بلکه منجر به شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی و بهداشتی نیز شده است. سرازیر شدن شیرابه‌های سمی به رودخانه‌ها و نفوذ آنها به آب‌های زیرزمینی، خطری بزرگ برای منابع آب شرب مردم شمال کشور به شمار می‌رود. از سوی

دیگر، بوی تعفن و آلودگی ناشی از دیوی زباله در نزدیکی سکونتگاه‌های انسانی، اعتراضات مکرر مردم محلی را در پی داشته است.

پروژه‌های نیمه‌تمام؛ از زباله‌سوز رشت تا کارخانه سراوان

دولت‌های مختلف در سال‌های گذشته تلاش کردند با اجرای پروژه‌هایی همچون احداث کارخانه‌های زباله‌سوز و تدوین طرح‌های جامع، بحران پسماند گیلان را مدیریت کنند. کارخانه زباله‌سوز رشت به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های ملی در این حوزه، قرار بود سالانه بیش از ۲۰۰ هزار تن زباله را پردازش کند. با وجود پیشرفت‌هایی در ساخت این پروژه، کندی عملیات اجرایی و مشکلات مالی مانع از بهره‌برداری کامل آن شده است.

محمدرضا احمدی سنگری، نماینده مردم رشت و خمام در مجلس شورای اسلامی، در این باره می‌گوید: انباشت ۴۰ ساله زباله در سراوان، نتیجه مستقیم تعلل در تکمیل پروژه‌های پسماند است. متأسفانه زباله‌های ۱۸ شهر استان همچنان به سراوان منتقل می‌شود و این وضعیت غیرقابل‌قبول است. ساخت کارخانه زباله‌سوز سراوان در دولت‌های گذشته معطل ماند و بی‌نتیجه بود؛ این تأخیرها اوضاع را بحرانی‌تر می‌کند و به ضرر مردم تمام می‌شود.

وی با بیان اینکه تکمیل محل جدید دفن زباله و تسریع در اجرای پروژه‌های نیمه‌تمام، ضرورتی فوری است، افزود: اگر نگاه مسئولان به موضوع تغییر نکند، این بحران نه‌تنها ادامه خواهد داشت بلکه تبعات آن گسترده‌تر خواهد شد.

نگاه‌های کوتاه‌مدت؛ مانعی در مسیر حل بحران

در کنار مشکلات مالی و فنی، یکی از موانع اصلی در مسیر مدیریت پسماند، نگاه کوتاه‌مدت و غیرواقع‌بینانه برخی مسئولان است. مهران محمدزاده، فعال فرهنگی و مذهبی، در این زمینه معتقد است: نگاه مسئولان به مسئله پسماند گیلان باید تغییر کند. این موضوع باید اولویت نخست استان باشد، اما متأسفانه هنوز هم برخی از آن به‌عنوان مسئله‌ای حاشیه‌ای یاد می‌کنند. تا زمانی که چنین ذهنیتی وجود دارد، نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد.

به گفته وی، در سال‌های اخیر چندین شرکت دانش‌بنیان و سرمایه‌گذار بخش خصوصی برای حل معضل پسماند وارد میدان شدند، اما به دلیل نبود حمایت جدی و گاهی سنگاندازی‌های اداری، از ادامه همکاری

منصرف شدند. اگر میدان به صاحبان ایده و افراد متخصص داده نشود، بحران پسماند همچنان پابرجا خواهد بود.

تهدید منابع آب؛ هشدار جدی کارشناسان محیط زیست

ابعاد زیست محیطی بحران پسماند، شاید از همه جنبه ها خطرناک تر باشد.

سهیل اولادزاد، کارشناس محیط زیست هم با بیان اینکه دفن زباله در زمین های کشاورزی و جنگلی، جان و سلامتی مردم را تهدید می کند، اظهار کرد: شیرابه های ناشی از دیوی زباله به رودخانه ها و منابع آب زیرزمینی نفوذ می کند و این در حالی است که بخش عمده آب شرب استان های شمالی از همین منابع تأمین می شود. این وضعیت می تواند به یک فاجعه ملی منجر شود.

این کارشناس محیط زیست با اشاره به توان داخلی کشور در حل مشکل اضافه کرد: ما نیازی به واردات تجهیزات تولید کمپوست نداریم. دانش بومی و ظرفیت داخلی برای اجرای طرح های مرتبط وجود دارد، اما اراده جدی در تأمین و نصب زباله سوزها ضروری است. ایده های متعددی ارائه شده که قابلیت اجرایی شدن دارند، تنها باید حمایت و پیگیری شوند.

تجربه های جهانی و راهکارهای بومی

بررسی تجربه کشورهای موفق در مدیریت پسماند نشان می دهد که سه اصل کلیدی در این مسیر مؤثر بوده است؛ کاهش تولید زباله، تفکیک از مبدأ و بازیافت. این اصول در بسیاری از کشورها به فرهنگ عمومی تبدیل شده و مردم با مشارکت فعال خود به دولت ها در مدیریت پسماند کمک می کنند. در گیلان نیز، اگرچه برنامه هایی برای آموزش و فرهنگ سازی در این زمینه اجرا شده، اما هنوز به مرحله نهادینه شدن نرسیده است.

اما به نظر می رسد، تا زمانی که فرهنگ تفکیک زباله در میان مردم شکل نگیرد، هیچ پروژه ای - بزرگ ترین زباله سوزها - به تنهایی قادر به حل مشکل نخواهد بود. باید آموزش و مشارکت عمومی در کنار پروژه های زیرساختی پیش برود.

بحران سراوان، زخمی باز که التیام نیافت

منطقه سراوان، به نمادی از بحران پسماند در کشور بدل شده است. کوه زباله ای که طی ۴۰ سال شکل گرفته، امروز نه تنها معضل گیلان،

بلکه مسئله‌ای ملی است. تجمع‌های اعتراضی مردمی در سال‌های اخیر نشان داد که صبر جامعه محلی به سر آمده و اعتماد عمومی به وعده‌ها رو به کاهش است. هرچند تلاش‌هایی برای تعطیلی محل دفن غیراصولی سراوان صورت گرفت، اما نبود جایگزین مناسب و تأخیر در تکمیل پروژه‌های جدید، موجب شد زباله‌ها همچنان به این منطقه سرازیر شوند.

تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که بحران پسماند گیلان تنها با تخصیص بودجه‌های کلان قابل حل نیست. شرط موفقیت در این مسیر، وجود مدیریت یکپارچه، نظارت دقیق بر اجرای پروژه‌ها، استفاده از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان، و مهم‌تر از همه، مشارکت مردم است. کاهش تولید زباله، تفکیک از مبدأ و همکاری شهروندان با طرح‌های دولتی، حلقه مفقوده‌ای است که بدون آن هیچ طرحی به نتیجه نخواهد رسید. بحران پسماند در گیلان زخمی کهنه است که سال‌هاست بر تن طبیعت و زندگی مردم این استان سنگینی می‌کند. حل این بحران تنها با همگرایی سه ضلع «مسئولان ملی و استانی»، «سرمایه‌گذاران و شرکت‌های دانش‌بنیان» و «مردم» امکان‌پذیر است. اگر این همگرایی شکل نگیرد، نه تنها طبیعت زیبای گیلان در معرض تهدید جدی قرار خواهد گرفت، بلکه سلامت نسل‌های آینده نیز به خطر خواهد افتاد.



ساختن خبرها با سوختن خبرنگارها

ره نگاران/ گرههایی اهالی رساله استان گیلان در محکومیت جنایت رژیم منحوس صهیونیستی در رشت برگزار شد.

به گزارش [پایگاه اطلاع رسانی ره نگاران](#) - نوشین کریمی: صدای شکسته شدن قلمها در زیر آوارهای غزه و صدای سوختن خبرها از گلوی خبرنگارانی که تا همین چند روز پیش داشتند سعی می‌کردند راهی برای آگاهی جهان پیدا کنند می‌آید.

تلاش دوربین‌ها برای به تصویر کشیدن زخم‌ها، خون‌ها و خانه‌های فرو ریخته دیگر به نفس آخر رسیده، وقتی همه این تصاویر و توصیف‌های خشک و خشن را با یک برنامه هوش مصنوعی به انیمه و کارتون و فضایی تلطیف تبدیل می‌کنند و به خورد مردم می‌دهند...

از دماغ انسانیت خون نه، دارد از عمر انسانیت جان می‌رود و من نشسته‌ام این سوی دنیا و بی‌هیچ سلاحی دارم شبکه‌های خبری را بالا پایین می‌کنم که انسانیت را پیدا کنم. زیر ایمان تکبیرهایی که از پیر و جوانان آن دیار می‌شنوم مرا به فکر فرو می‌برد، صهیونیست فردا چگونه می‌خواهد سرزمین موعود را سبز کند...

صدای زنگ تلفن بلند می‌شود و با آنکه حال زاری دارم کسی مرا به یک گردهمایی دعوت می‌کند. دلم می‌خواهد از درد بخود بپیچم و به خواب عمیق بروم اما مگر درد من با درد بچه‌های غزه یکیست!؟

من قرار است صدای فریاد تک تک آن‌هایی باشم که هنوز بزرگ نشده، در نطفه خاموش شدند. به راه افتادم. به ماشین‌ها، به ساختمان‌ها به آدم‌هایی که از کنارم عبور می‌کردند نگاه می‌کردم و خدا را بابت این همه آرامش و آسایشی که دارم شکر می‌گفتم.

به محل گردهمایی رسیدم. همکاران جلوتر از من آمده بودند. به سمت یکی از همکاران که پرچم فلسطین را در دست داشت رفتم.

معصومه پاداش ستوده، از فعالان رسانه‌ای استان با تاکید بر اینکه

قتل عام خبرنگاران در غزه؛ حذف صدای حقیقت به سبک صهیونیسم است
اظهار کرد: رژیم صهیونیستی که از ابتدای جنگ غزه نشان داده بود
هیچ خط قرمزی برای جنایت نمی‌شناسد، این روزها رسماً جنگ رسانه‌ای
را به جنگی خونین تبدیل کرده است؛ جنگی که قربانیان آن،
خبرنگاران و راویان حقیقت هستند.

وی گفت: شمار شهدای رسانه‌ای غزه هر روز افزایش می‌یابد؛
خبرنگارانی که تنها سلاحشان دوربین و قلم بود، اما در فهرست اهداف
مستقیم ارتش صهیونیستی قرار گرفتند.

ستوده افزود: این کشتار سیستماتیک و عمدی، نشان‌دهنده هراس عمیق
رژیم صهیونیستی از انتشار واقعیت‌های جنگ و مظلومیت مردم فلسطین
است.

وی تصریح کرد: صهیونیست‌ها خوب می‌دانند روایتگری صادقانه از فجایع
غزه، بزرگ‌ترین شکست برای پروژه دروغ‌سازی آن‌ها در افکار عمومی
جهان است؛ از همین رو، حذف فیزیکی خبرنگاران، بخشی از استراتژی
جنگی آنان شده است.

ستوده اذعان کرد: اما سوال اصلی، باز هم متوجه همان دولت‌های
اسلامی است که در برابر قتل‌عام خبرنگاران نیز، به سکوت خفت‌بار خود
ادامه داده‌اند، آیا جان خبرنگاران مسلمان و آزادی‌خواه، هیچ ارزشی
در معادلات سیاسی این کشورها ندارد؟

آیا رسالت اسلامی و انسانی، اقتضا نمی‌کند که حداقل در برابر این
جنایت آشکار، فریادی از جهان اسلام برخیزد؟

وی گفت: امروز غزه، سرزمین خون و حقیقت است و خون خبرنگاران
شهید، بیشک روزی دامن جنایتکاران و حامیان سکوت را خواهد گرفت،
پس باید صدای غزه باشیم...

در ادامه اما رحیمه احمدی پور، دیگر خبرنگار گیلانی بود که صدای
اعتراضش را با شعر نشان داد و سروده اش را برایمان خواند:

...نصیحت پدر ای کاش یادمان می ماند

که گفت شاخه ی تنها شکسته خواهد شد

به اتحاد اگر رونیاورید و وفاق

به رویتان در توفیق بسته خواهد شد

□□□□□□

به غیر چند ولایت که متحد بودند

بقیه حرف پدر پشت گوششان افتاد

اگرچه نام مسلمان به روی آنان بود

ولی ردای رسالت ز دوششان افتاد

□□□□□□

همیشه دست خدا بر سر جماعت است

چه خوب گفت رسول خدا به ما این را

به اتفاق توان ریشه ستم خشکاند

و دفع کرد شر و فتنه ی شیاطین را

□□□□□□

دوباره غزه ی آزاد باز می گردد

اگر اراده کنیم و جهان صدا باشد

شنیده می شود این «آتنا» اگر هر روز

به روی دست همه ذکر «ربنا» باشد



مهدی پارسا، مسئول بسیج رسانه گیلان در گردهمایی سازمان بسیج رسانه استان مبنی بر محکومیت جنایات رژیم منحوس صهیونیستی که امروز (دوشنبه، 25 فروردین) در تالار مرکزی رشت برگزار شد با بیان اینکه امروز چه کسانی دلشان برای ملت فلسطین و غزه می‌تپد، گفت: با توجه به جنایاتی که در حال انجام است تاکنون انسان‌های بی‌دفاع زیادی از زن و مرد و کودک را به شهادت رسانده‌اند.

وی با تاکید بر اینکه بدون شک «نتانیا‌هو» اسمش به‌عنوان نسل کش در جهان به یادگار خواهد ماند، افزود: تا کنون 211 نفر از خبرنگاران زن و مرد فلسطینی و غزه‌ای به شهادت رسیده‌اند در حالی که جرمشان فقط این بوده که خواستند جنایات اسرائیل پنهان مانده و همان‌طور که خودشان می‌خواهند، دنیا با یک سانسور بزرگ رسانه‌ای مواجه باشد.

پارسا با تاکید بر اینکه، قصه نبرد فلسطینی‌ها از سال 1348 میلادی شروع شده نه اینکه از 18 ماه پیش توسط حماس آغاز شده باشد، افزود: امروز ورای اینکه دین، مذهب و ملیت را نگاه کنیم، باید انسانیت را نگاه کرد و این قلم را در دنیا بالا بگیریم و نشان دهیم که حق و حقیقت کدام سمت است.

وی خاطر نشان کرد: اگر همین رسانه‌ها و خبرنگاران مظلوم و بی‌دفاع

در غزه و فلسطین نبودند تا کنون در کنار این همه تلاش اسرائیل و همدستانش برای سانسور خبری کسی از، جنایات آنها، آنطور که باید با خبر نمیشد.

پارسا ادامه داد: تاکنون تلاش همه شما اصحاب رسانه بود که با بازتاب آنچه که رخ میدهد به دنیا نشان دادید در غزه چه میگذرد و ازین رو در جمهوری اسلامی ایران همین واکنشهای رسانه‌ای شما باعث میشود تا در تمام دنیا این جنایات دیده شود.

وی ضمن تاکید بر اینکه میبایست رسانه روایت حقیقت از واقعیت را داشته باشد، اظهار کرد: بزرگترین هزینه‌ای که اسرائیلی‌ها در این جنگ نابرابر پرداخت کردند نشان دادن چهره واقعی جنایات آنها در دنیا توسط رسانه‌ها بود و خبرنگارانی که جانشان را در این راه گذاشتند.



امیرحسین طاهری، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان نیز با بیان اینکه شاهد از دست رفتن نسلی فاخر در کره زمین و جامعه بشری هستیم گفت: رسانه‌ها آنچه را که می‌خواهند خوب و چیزی را که نمی‌خواهند بد جلوه می‌دهند و در مورد کشتار در غزه اسرائیلی‌ها کاری کرده‌اند که سایر مردم در این موضوع واکنشی نداشته باشند.

وی برگزاری چنین نشست‌ها و جلساتی را خوب توصیف کرد و با تاکید بر

اینکه مهم‌ترین اصل، «جریان سازی» است افزود: اسرائیل یک واژه قرآنی است ولی رژیم صهیونیستی رژیمی است که باید به آن پرداخته شود.

طاهری اظهار کرد: ایران و جامعه ایرانی باید واکنشهایی را به سطوح مختلف این نسلکشی داشته باشند و اصحاب رسانه باید پلی برای انتقال این جریانات شوند.

وی با تاکید بر اینکه معتقدیم راه قدس از کربلا می‌گذرد تصریح کرد: همواره می‌بایست برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های پاک پیشگام بود.



قاسم مصفا، معاون رسانه‌ای فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان نیز در این گردهمایی با بیان اینکه دیروز فقط جمهوری اسلامی بود که آزادی فلسطین را فریاد می‌زد اما امروز دنیا هم دارد می‌بیند و با ما فریاد می‌زند گفت: این توان ما اصحاب رسانه است که اخبار درست و حقیقت را به جهان مخابره کنیم تا همه مردم دنیا آنرا ببینند.

وی افزود: همین مقدار که با دیدن آتش گرفتن تصویر آن خبرنگار، این خشم و کینه در قلم ما اصحاب رسانه جاری شد که امروز در چنین محفلی گردهم بیاییم و ندای استکبارستیزی سر دهیم، افزود: امیدوارم به زودی آزادی آن سرزمین مقدس را با هم ببینم.

مصفا رسانه را ابزاری قدرتمند برای بیان حقایق و واقعیت‌های جامعه عنوان کرد ادامه داد: این نهایت ذلت اسرائیلی‌ها است که امروز در غزه چادر خبرنگاران را به آتش میکشد تا بر جنایاتی که همه دنیا شاهدش هستند سرپوش بگذارد.

وی تک تک خبرنگاران را که با قلم، عکس و هنر خود واقعیت‌های فلسطین را انعکاس می‌دهند دارای رسالتی سنگین عنوان کرد و گفت: همانطور که خبرنگاران به پیاده روی اربعین اعزام شدند و به خلق آثار خبری پرداختند بدون شک اگر شرایطش فراهم شود خیلی از اصحاب رسانه چه برای تهیه خبر و گزارش و چه برای مبارزه راهی فلسطین و غزه می‌شوند و هراسی ندارند.

در ادامه این گردهمایی سازمان بسیج رسانه استان گیلان طی بیانیه‌ای جنایات ددمنشانه رژیم کودک‌کش صهیونیستی را محکوم کرد که در متن این بیانیه آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ

رژیم غاصب و منحوس صهیونیستی در اقدامی هولناک و غیر انسانی با هدف قراردادن غیرنظامیان به ویژه زنان و کودکان، ماهیت ضدبشری خود را به دنیا مخابره کرده تا ثابت کند برای رسیدن به اهداف شوم خود بی توجه به ادعاهای پوشالی حقوق بشری خود زنان و کودکان را نشانه گرفته تا دنیا بار دیگر حمله‌های زمانه را بشناسد و بداند که خوی وحشیگری اسرائیل غاصب و هم پیمانانش چنان از عزت و عزم زنان و مادرانه‌های قاسم پرورشان بیم دارند که به جای مقابله و مبارزه با نظامیان، مردم عادی، شیرزنان مقاومت یعنی پرورش دهندگان سروقامتان جبهه مقاومت را در تیررس وحشیانه‌ترین رفتارهای غیرانسانی خود قرار دادند تا به خیال خام خود به اهداف پوشالی خود دست پیداکنند.

حال که رژیم منحوس صهیونیستی میدان مبارزه کذایی‌اش را به سمت شهید کردن زنان، کودکان و خبرنگاران برای خاموش کردن صدای حقیقت تغییر داده است بداند که میدان مبارزه در جبهه مقاومت، میدانی به سبک «ام» و «هب» کربلا به فرماندهی «فرمانده زینب(س)» است که هرکدامشان لشکری به وسعت تاریخ دارند و رجزشان «مارایتُ الا جمیلاست»، خبرنگارانی که در میدان جهاد چنان از رسالت زینبی تأسی می‌گیرند که لشکریان یزید امروز را

همچون رجز زینبیِ واقعه کربلا به ستوه می‌آورند.

سازمان بسیج رسانه استان گیلان ضمن محکوم کردن جنایات ددمنشانه رژیم منحوس صهیونیستی و ابراز همدردی با زنان و مردان محکم جبهه مقاومت، اعلام می‌دارد که اصحاب رسانه و خبرنگاران برای همراهی بامردان، زنان و کودکانِ غزه و روایتِ رسانه‌ای جنایاتِ روبه‌صفتانِ صهیونیستی از هیچ تلاشی دریغ نکرده و گوش به فرمان فرماندهی معظم کل قوا، آمادگی خود را برای هرگونه همراهی از اعزام به مناطق جنگ زده غزه برای روایت حقیقتِ جنایات وحشیانه اسرائیل غاصب تا همراهی با مردم مظلوم غزه با هدف کاهش دردها و آلام آنان اعلام می‌دارد، امید است به فضل الهی وعده حقیقی پیروزی جبهه مقاومت و نابودی این غده سرطانی یعنی رژیم صهیونیستی هرچه سریع‌تر محقق گردد.



تراژدی زیست محیطی در جنوب

گیلان؛ وقتی معادن «جوبن» را می‌بلعد

ره نگاران/ با توجه به دغدغه اهالی «جوبن» نسبت به وجود معادن در این روستا می‌طلبند مسئولان و متولیان امر در کنار توجه به منافع بهره‌بردار معدنی، به مطالبات، حقوق و حق حیات بومیان نیز توجه کنند.

به گزارش [پایگاه اطلاع رسانی ره نگاران](#)؛ به نقل از مهر- بهرام قربانپور: از جاده قدیم امامزاده هاشم به رستم‌آباد با گذر از چاله و چوله های مرگبار مسیر، خودم را به «جوبن» بزرگترین روستای بخش مرکزی شهرستان رودبار رساندم، روستایی که حالا در محاصره معادن قرار گرفته است.

بازار جوبن پیاده شدم، بازاری که روزی (قبل از احداث آزادراه رشت - قزوین) برای خود جایگاه ویژه‌ای در داد و ستد داشت و اکنون از یکی از بازارهای فعال روستایی به شمار می‌رود.

جوبن با بیش از ۲ هزار نفر جمعیت در جنوبی‌ترین نقطه رستم‌آباد بخش مرکزی رودبار قرار دارد. اهالی این روستا بیشتر کشاورز و باغدار هستند و زیتون و برنج ۲ محصول استراتژیک این منطقه است که اگرچه به دلیل فعالیت غیر متعارف معادن، درختان زیتون این منطقه به جای آب و هوای پاک، ایستاده «خاک» می‌خورند.

به اتفاق اهالی و مردمان خونگرم جوبن به داخل روستا و سپس به محل فعالیت معادن رفتیم، معادنی که نه تنها در همسایگی دیوار به دیوار روستا فعالیت می‌کردند بلکه به داخل حریم روستا هم تجاوز کرده بودند.

دره ۱۰۰ متری معدنی در جوبن

هر چه به محدوده فعالیت معدن نزدیک تر می‌شدیم عمق «فاجعه» ملموس‌تر می‌شد، از بالا به پایین محدوده فعالیت معدن که خیره می‌شوی باید حواست جمع باشد که ناگاه به دره ۱۰۰ متری سقوط نکنی، دره‌ای که حاصل سال‌ها برداشت بی‌رویه معادن ایجاد شده و همانند مار افعی دارد روستا را می‌بلعد.



انتقاد از تمدید ۱۰ ساله پروانه فعالیت معدن

«مازیار حاجزاده» دهیار روستای جوبن با بیان اینکه این روستا در محاصر «معادن» است، اظهار کرد: پیشروی برداشت معادن در جوبن به باغات و منازل مسکونی اهالی رسیده تا جایی که دیوار مرزی معدن تا باغ اهالی کمتر از ۲۰۰ است.

وی با انتقاد از تمدید ۱۰ ساله پروانه فعالیت معدن در جوبن افزود: پروانه فعالیت و برداشت معدن بدون در نظر گرفتن بافت مسکونی و محل اجرای طرح نهضت ملی مسکن صادر شده است و اگر برداشت معدن ۱۰ سال دیگر هم ادامه داشته باشد باغات و منازل مردم هم زیر تیغ ماشین آلات معدنی خواهد رفت.

پروانه برداشت معدن در اطراف جوبن در حالی، ۱۰ سال دیگر تمدید شده است که نه تنها فاصله مرزی و قانونی محدوده معدنی تا باغات و بافت مسکونی روستا رعایت نشده بلکه طبق ماده ۲۲ قانون معادن، بهره‌بردار معدن می‌تواند حتی باغات و بافت مسکونی و مستثنیات روستا را هم برداشت کند.

پمپاژ خاک به دل روستا

دهیار جوبن با بیان اینکه ماجرای معادن در این روستا آتش زیر خاکستر است، گفت: برداشت معدن در روستای جوبن غیرمتعارف بوده و توسعه و حیات اجتماعی روستا را زیر سوال برده است.

آنطور که حاجزاده گفته؛ بهره‌بردار معدن در جوبن برداشت را در ارتفاع و سطح رعایت نکرده و ارتفاع برداشت به ۱۰۰ متر می‌رسد و این مهم روستانشینان جوبن را نگران کرده است.

وی با بیان اینکه باد گرد و غبار حاصل از برداشت مواد معدنی را به داخل روستا پمپاژ می‌کند، افزود: دیواره مرزی محدوده معدن و روستا جلوی پمپاژ خاک را می‌گیرد که از این دیواره دیگر چیزی باقی نمانده است.

اشتغالزایی به چه قیمتی!

دهیار جوبن با اشاره به اینکه محدوده معدنی در گذشته محل کشاورزی اهالی بوده است، گفت: معادن نه تنها آرامش کشاورزی روستا را نابود کردند بلکه امروز دنبال تخریب باغات و منازل مسکونی مردم جوبن هستند.

حاجزاده با بیان اینکه منافع روستاییان زیر تیغ معادن رفته است، اضافه کرد: معادن جوبن به بهانه تولید و اشتغالزایی تمام علائم حیاتی روستا را نابود کردند و می‌گویند؛ اشتغالزایی می‌کنیم اما اشتغالزایی به چه قیمتی!



وی با بیان اینکه شهرستان رودبار هیچ اختیاری در حوزه معادن ندارد، افزود: بارها مشکلات جوبن را به مسئولان شهرستان گفتیم از آنجایی که شهرستان هیچ دخالت و اختیاری در حوزه معادن ندارد نمیتواند گره این مشکلات را باز کند.

با وجود این که بیش از ۲۰ مرغداری و چندین معدن در روستای جوبن فعالیت میکنند اما مردم این روستا با تحمل مشکلات زیست محیطی، صبورانه از تولید حمایت میکنند، اما تمدید مجدد ۱۰ ساله پروانه برداشت به یک معدن که به حد قانونی و بافت مسکونی روستا تعدی کرده، ظلمی نابخشودنی در حق مردمان این منطقه است.

خیمه خاک بر پیکره بی جان جوبن

«کاییر انصاری» عضو شورای اسلامی روستای جوبن هم در ادامه گفت: در طول این سالها که در این روستا مسئولیت دارم در مقابل مطالبات مردمی در خصوص چالشهای معادن هیچ پاسخی ندارم بدهم.

به گفته وی، کارشناسان صمت برای تمدید دوباره برداشت معدن در جوبن، این منطقه را خالی از سکنه اعلام کردند و این در حالی است در همین محدوده فعالیت معدن بیش از ۲۰ خانوار ساکن هستند و

باغات اهالی با معدن کمتر از ۲۰۰ متر فاصله دارد.

آنطور که عضو شورای اسلامی روستای جوبن گفته؛ برای صدور مجوز فعالیت معدنی در روستا، هیچ استعلامی از مسئولین محلی گرفته نمیشود.

انصاری با اشاره به گرد و خاک ناشی از فعالیت معدن در جوبن اضافه کرد: خاک بر پیکره بی جان جوبن خیمه انداخته و تمام باغات و درختان زیتون به دلیل خاک خوری در معرض نابودی هستند.

وی با اشاره به خطر نابودی روستای جوبن به واسطه فعالیت غیرمتعارف معادن افزود: استمرار روند برداشت معدن در جوبن، موجب خروج اهالی از روستا میشود که باید جلوی فعالیت این معدن گرفته شود.

ادامه فعالیت معدن موجب نابودی روستا میشود

«وحید کاظمی» یکی از اهالی جوبن هم با اشاره به فعالیت غیرمتعارف و غیرقانونی معادن در این روستا اظهار کرد: با شکایت اهالی در سال ۹۷، فعالیت معدن در جوبن به مدت ۶ سال متوقف شد اما در سال جاری دوباره فعالیت این معدن از سر گرفته شد.

وی با اشاره به تمدید ۱۰ ساله برداشت معدن در جوبن افزود: اهالی از بهره‌بردار برای برداشت غیرمتعارف معدن در روستا شکایت کردند ولی تاکنون نتیجه‌ای نگرفتند.

فعالیت معدن متوقف شود

این جوان جوبنی با اشاره چالش زیست‌محیطی ناشی از فعالیت معدن در این روستا اضافه کرد: تمدید ۱۰ ساله برداشت معدن در جوبن، بدون رعایت الزامات قانونی و مسائل زیست‌محیطی صورت گرفته است.

کاظمی با اشاره به اینکه ادامه فعالیت معدن موجب نابودی روستا میشود، گفت: طبق قانون فعالیت معدن با بافت مسکونی و باغی باید بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ متر باشد، اما فاصله این معدن به ۲۰۰ متر هم نمیرسد.

وی با بیان اینکه توقف برداشت معدن مطالبه اهالی جوبن است، افزود: تا تعیین تکلیف مسئله شکایات اهالی جوبن از معدن، انتظار میرود فعالیت معدن تا اطلاع ثانوی متوقف شود.



به بهانه اشتغال، جوین را نابود نکنید

«جمال حسن‌پور» یکی از معتمدین جوین هم که از مسئولان و شرایط موجود در روستا گله‌مند بود، می‌گوید: صدور پروانه فعالیت و برداشت معدن در روستا بدون توجه به منافع بومیان منطقه صورت می‌گیرد.

وی با انتقاد از تعدی معادن به دل روستا افزود: به بهانه اشتغال برای ۴ نفر قرار نیست یک روستا نابود شود!

این پیرمرد جوینی با بیان اینکه نسبت به تمدید پروانه فعالیت معدن در این روستا تجدید نظر شود، گفت: در چنین شرایط اقتصادی و معیشتی نباید برای مردم به ویژه روستاییان نارضایتی ایجاد کنند.

حسن‌پور با بیان اینکه احترام به قانون یک تکلیف است، گفت: اگر مسئولان به داد ما نرسند ناچار هستیم خودمان اقدام کنیم.

جلوی حذف نام «جوین» را بگیرید

در پایین دست نزدیکی همین معدن در لابلای سر و صدای ماشین‌آلات سنگین و گرد و خاک، صدای بازی بچه‌ها هم از داخل حیاط مدرسه می‌رسید، بچه‌هایی که با هزار امید و آرزو در کلاس درس حاضر می‌شوند تا در آینده نزدیک برای روستایشان منشأ اثر باشند، البته اگر تا آن

زمان روستایی به نام «جوبن» وجود داشته باشد.

این‌طور که دستگاه آلات برداشت معادن از چپ و راست جوبن، تیغه به خاک و دل این روستا می‌زنند، تا سال‌های نه چندان دور دیگر نامی از «جوبن» باقی نخواهند ماند.

انتظار می‌رود مسئولان و متولیان امر در کنار توجه به منافع بهره‌بردار معدنی، به مطالبات، حقوق و حق حیات روستاییان و بومیان منطقه نیز توجه کنند و تا دیر نشده اقدام عاجلی برای توقف فعالیت و برداشت معدن در جوبن صورت دهند.